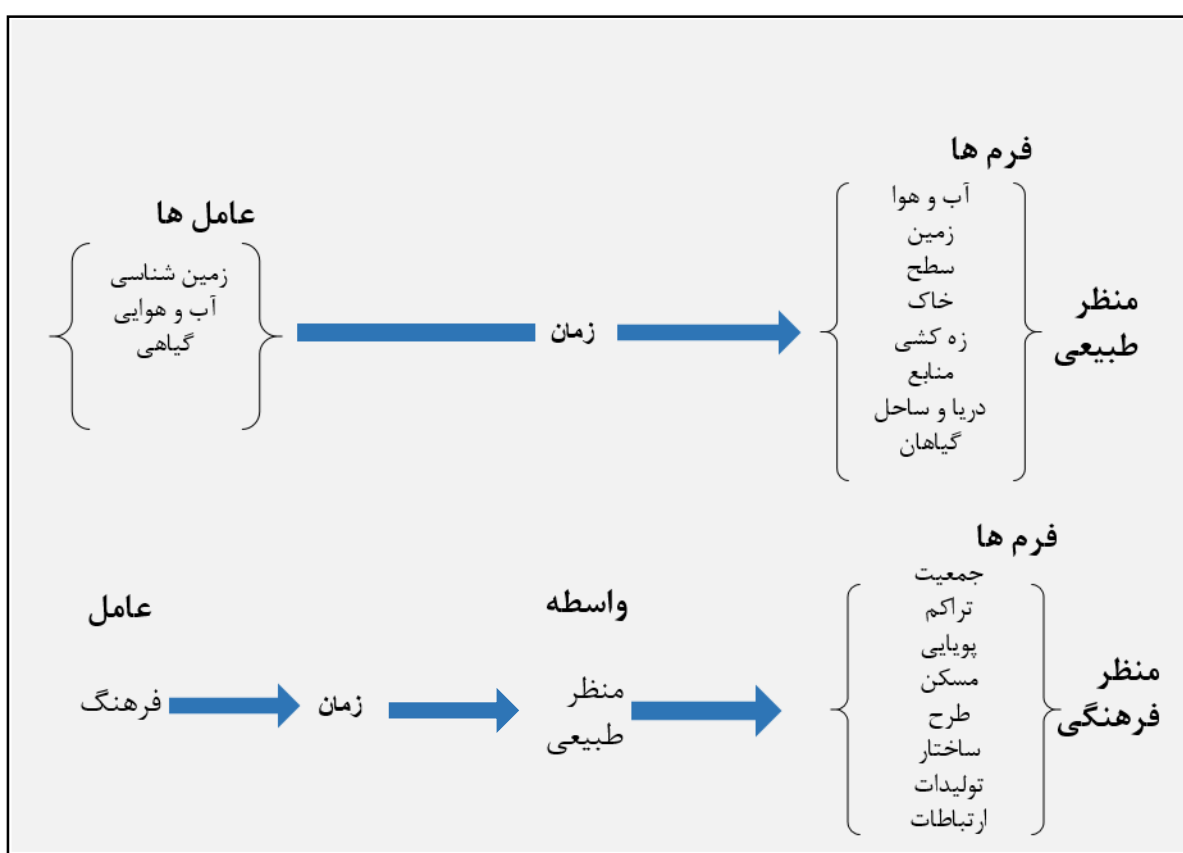


بازشناسی مفهوم منظر فرهنگی و تعاریف مرتبط با منظر فرهنگی از دیدگاه صاحب نظران

نویسندگان: لاله رضانی، مهدیار نظام

اصطلاح منظر فرهنگی نخستین بار در دهه ۱۹۲۰ به وسیله جغرافی دانی فرهنگی به نام پرفسور کارل سائویر در مجامع دانشگاهی ایالات متحد به کار رفت و سپس رواج یافت. تعریف کلاسیک سائویر (۱۹۲۵ م) چنین است: « سائویر عنوان می کند که منظر فرهنگی از یک منظر طبیعی به وسیله یک گروه فرهنگی شکل یافته است. فرهنگ عامل، ناحیه طبیعی واسطه و منظر فرهنگی نتیجه است (عشرتی، ۱۳۹۰، ۱۴۸) کارل سائویر نظریه خود را از طریق مدل زیر ارائه می کند.

مدل ارائه شده منظر فرهنگی توسط کارل ساویر



تصویر ۱: مدل پیشنهادی سائویر برای منظر فرهنگی، منبع: (sauer,308,1925)

کارل سائویر منظر طبیعی را شامل سه عامل زمین شناسی، آب و هوایی و گیاهی می داند که فرم های مختلف منظر طبیعی را تشکیل می دهند با اضافه شدن عامل فرهنگ در اثر زمان به منظر طبیعی، منظر طبیعی در نقش واسطه ایفای نقش می کند و فرم های مختلف منظر فرهنگی را تشکیل می دهد (sauer,308,1925).

مفهوم منظر فرهنگی، یک مفهوم تازه ایجاد شده نیست بلکه از گذشته های دور جغرافی دان ها و انسان شناس های زیادی به بررسی نقش فرهنگ ها در زمینه محلی شان پرداخته اند. فرانس بواس جغرافی دان و انسان شناس آمریکایی (۱۹۴۲-۱۸۷۹)، ویژگی های فرهنگی جوامع، رفتارهایشان، اعتقاداتشان و نمادهایشان و ضرورت بررسی آن ها در زمینه محلی بومیان را بررسی کرد. بواس رویکرد زمینه گرا در فرهنگ را مطرح کرد که به عنوان نسبیت فرهنگی شناخته شده است (Taylor, 2012, 26). بواس پی برد مردمانی که از مکانی به مکان دیگر مهاجرت می کنند و زمینه فرهنگی شان در طول زمان تغییر می کند، همان های فرهنگ و معانی شان تغییر خواهند کرد این مساله منجر شد که بواس بر اهمیت تاریخ های محلی برای آنالیز فرهنگ ها تاکید کند. نظریه بواس شامل حالت تاریخی از محیط زیست متصور شده بود (Livingstone 1992:29).

پس زمینه فکری درک مدرن از اصطلاح منظر فرهنگی از کار جغرافی دان و انسان شناس آلمانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم (۱۹۵۹-۱۸۷۲) به وجود آمد اتوشلوته جغرافی دانی بود که اصطلاح منظر فرهنگی را معرفی کرد. شلوته معتقد است که مهمترین مولفه بررسی جغرافیایی، مورفولوژی منظر به عنوان محصول فرهنگی است (Taylor, 2015, 3). دیدگاه شلوته به نظریه بواس مشابهت دارد و این نظریه ها شروع تازه ای برای در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و محیط زیست بستر به عنوان مولفه های موثر در شکل گیری منظر فرهنگی بودند هر چند که مستقیم به این اصطلاح اشاره نشده است. در حالی که جنبش جغرافیای فرهنگی قطعا یک نوآوری جدید نیست، ایده منظر و ارتباط آن با مردم، اساس فکری و عملی مطالعات میان رشته ای را پایه ریزی کرد. از آن زمان به بعد مفهوم منظر فرهنگی در بین رشته های مختلف گسترش پیدا کرد و تعریف های متعدد و کامل تری از آن ارائه شد. در ادامه به بازخوانی دیدگاه صاحب نظران در قرن حاضر می پردازیم و مشاهده می کنیم که تعریف این مفهوم به مرور به تکامل رسیده است و سعی شده است که مولفه های تشکیل دهنده منظر فرهنگی هر چه بیشتر تدقیق شود.

لوئیس بیان می دارد که منظرهای فرهنگی مکان هایی هستند که در آن فرهنگ انسانی در معرض نمایش است. جایی که منظر انسانی ما بیوگرافی بدون ماست و ذائقه ها، ارزش ها، آرمان ها و حتی ترس های ما در شکل ملموس در آن قابل مشاهده است (Lewis, 1979, 12). لوئیس منظر فرهنگی را ظریفی در نظر گرفته است که مضمون آن فرهنگ انسانها با تمام ابعاد خود می باشد و تمامی این جوانب فرهنگ به وضوح در آن آشکار است. در ادامه، نورا میشل استادیار دانشگاه ورنمنت امریکا است که در حوزه حفاظت منظر فرهنگی پژوهش های زیادی را انجام داده است و به طور فعال برای حفاظت منظر با ایکوموس، آی یو سی ان و یونسکو همکاری داشته است. نورا میشل در تعریف منظر فرهنگی عنوان می کند که منظرهای فرهنگی، مکان هایی هستند که در آنجا انسان و طبیعت به هم می رسند. منظرهای فرهنگی توسط ارتباط بین انسان ها و محیط زیستشان شکل می گیرند. در اصطلاح زمینه طبیعی چگونگی زندگی مردم و الگوهای سکونتشان، عقایدشان، معیشت و فرهنگشان را شکل می دهد. منظرها شامل تاریخ و گذشته و ویژگی های ملموس و ناملموس هستند (Mitchel, Brown, Bresford, 2005, 3). نورا میشل در تعریف خود از منظر فرهنگی بستر طبیعی زمینه را عامل مهمی در شکل دادن به بسیاری از راه های زندگی مردم می داند و معتقد است که منظرها بستر دیدار طبیعت و انسان، گذشته و حال و ارزش های ملموس و ناملموس هستند. نورا میشل نگاه کامل تری به موضوع دارد و ویژگی های ناملموس در منظر را بسیار مهم می داند.

پرفسور کن تیلور استاد دانشگاه ملی استرالیا و از نظریه پردازان برجسته در حوزه منظر فرهنگی می باشد. پرفسور کن تیلور معتقد است که منظرهای فرهنگی شامل الگوها و المان های فیزیکی ملموس است اما اغلب مهمتر از آن، ارزش های ناملموس را منعکس می کند. منظرهای فرهنگی پنجره ای رو به گذشته ما، حال و آینده ما و ارتباط در حال تحول ما با محیط زیست طبیعی هستند. منظر فرهنگی به طور جدایی ناپذیری به این مفهوم گره خورده است که منظرها بیشتر از اینکه یک محصول باشند یک فرایند هستند (Taylor, 2015, 2). تیلور با میشل اتفاق نظر دارد که مهمترین پارامتر منظر فرهنگی ارزش های ناملموس هستند و تاکید ویژه ای به آن دارد. نکته بسیار حائز اهمیت که تیلور به آن اشاره دارد این است که منظر فرهنگی یک فرایند است این بدین معناست که منظر فرهنگی در طول زمان شکل می گیرد و در زمان حال جریان دارد و به سوی آینده پیش می رود و نباید نگاهی محصول گرا به آن داشت.

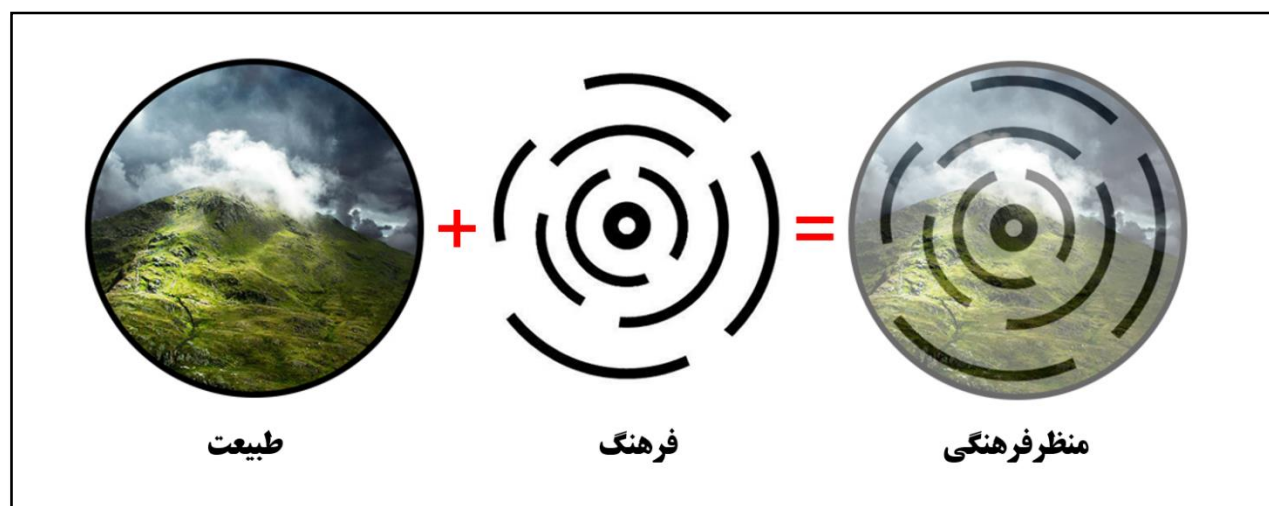
سوزان باگی استاد دانشگاه مونترال در حوزه منظر معماری تعریفی که از منظر فرهنگی ارائه می دهد به این گونه است که منظر فرهنگی دارای برداشت های زیادی است. منظرهای ذهنی که مکانی ندارند و خارج از مرزهای هر مکانی هستند، گاهی منظرهای فرهنگی به یک رویکرد برمی گردد به جای یک مکان و گاهی هم باغ کوچکی است که رد پای از ساختمان در آن نیست. منظر فرهنگی مانند یک خرد اکوسیستم است که عامل های زیادی در آن نقش دارند و آن ها بسیار پویا هستند و تغییرات همیشه در آن ها ادامه دارد به همین دلیل بسیار وابسته به زمان هستند

(Buggey,2011,1). همچنین باگی و میشل بر این باورند که با وجود اینکه دانش غربی مدت ها فرهنگ و طبیعت را در دو دایره جداگانه پنداشته است اما دید ساکنان اولیه از جهان، کل نگر بوده است و در آن فلسفه نظام گیتی، جغرافیا، زیست، فرهنگ و معنویت صمیمانه در هم تنیده اند (عشرتی، ۱۳۹۰، ۹۱). سوزان باگی در تعریف خود از منظر فرهنگی به منظرهای تداعی شده اشاره دارد و آن ها را به عنوان منظرهایی که خارج از مرزهای مکانی هستند معرفی می کند و مولفه زمان به علت پویایی منظر از نظر باگی بسیار حائز اهمیت است. باگی و میشل کل نگر بودن مردمان بومی را مورد بررسی قرار می دهند و منظر را لایه هایی در هم تنیده می دانند که این کلیت را تشکیل می دهد و به آن معنا می بخشند.

پرستو عشرتی استاد دانشگاه تهران از اولین پژوهشگران ایرانی در حوزه منظر فرهنگی می باشد که به توسعه چارچوب نظری منظر فرهنگی پرداخته است (۱۳۹۰). عشرتی در تدقیق تعریف منظر فرهنگی بیان می دارد که منظر فرهنگی به آن بخشی از تعامل گروهی مردم ساکن یک خرد اکوسیستم با آن خرد اکوسیستم که از مجاری چهارگانه‌ی شناخت شامل علم، فلسفه، عرفان و مذهب به شناخت مشترکی از اکوسیستم کل و آن خرد اکوسیستم در طول زمان دست یافته‌اند و در نتیجه فرهنگ مشترکی را پایه‌ریزی کرده‌اند اطلاق می‌گردد که نشانه‌هایی عینی (ملموس) و یا ذهنی (ناملموس) از آن تعامل را در آن خرد اکوسیستم در طول زمان به جای گذاشته باشند که با مذاقه قابل باز شناخت باشد (عشرتی، ۱۳۹۰). عشرتی در تعریف خود به چهار مجرا اشاره می کند که مردمان بومی از طریق آن به شناخت اکوسیستم دست می یابند. عشرتی به مولفه زمان اشاره می کند که در طول آن مردمان بومی فرهنگ را پایه ریزی کرده اند و عشرتی با تبلور اتفاق نظر دارد که منظر فرهنگی شامل ارزش های ملموس و ناملموسی است که در طول زمان و در بستر اکوسیستم شکل یافته اند.

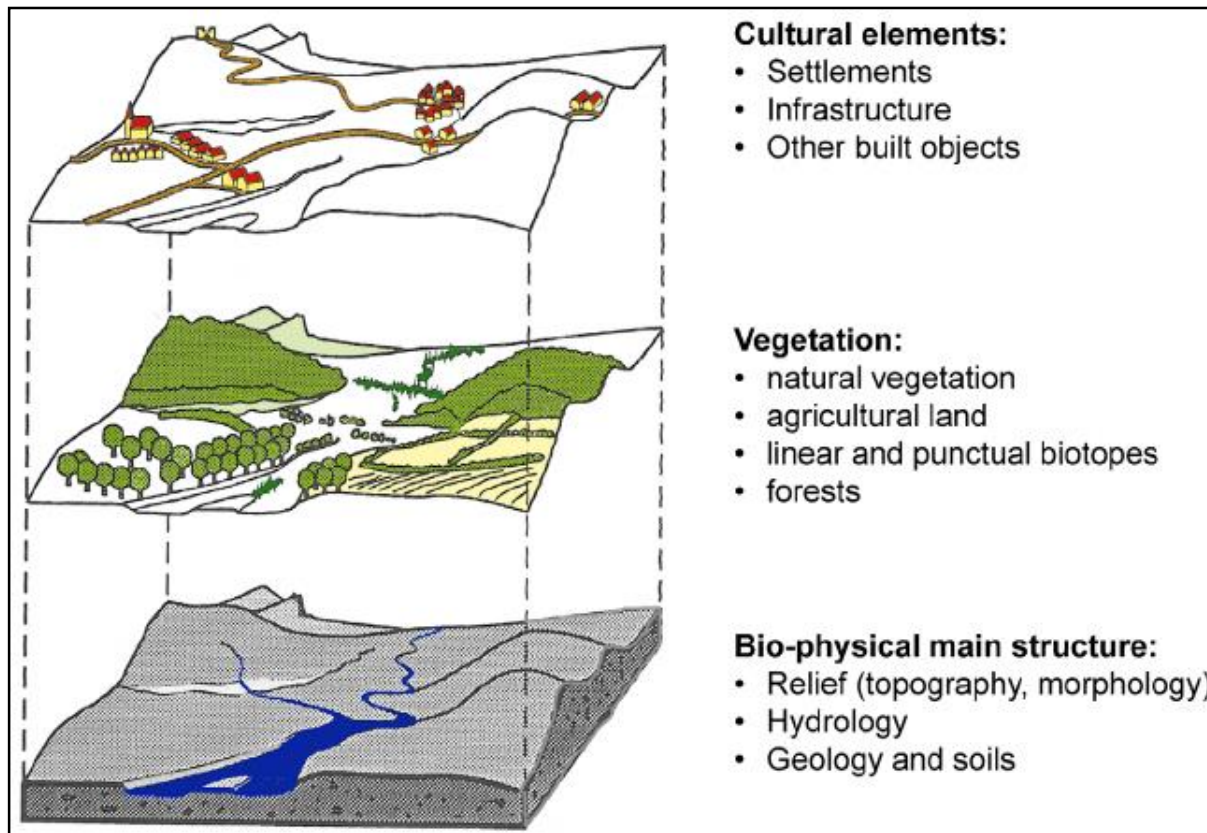
در نتیجه بررسی اراء نظریه پردازان و سیر تکاملی مفهوم منظر فرهنگی می توان منظر فرهنگی را این گونه تعریف کرد که تعامل مثبت انسان با محیط زیست طبیعی خود در طول زمان فرایندی را شکل می دهد که این فرایند تمامی جنبه های زیست و تفکر و اعتقادات مردم را شکل داده است. در واقع منظر فرهنگی محتوای مظلوفی است که در ظرف اکوسیستم وجود دارد. این محتوای لایه لایه شرح حالی از گذشته، حال و آینده ما انسان هاست و شامل ارزش های ملموس و ناملموسی است که به گونه ای جدایی ناپذیر در هم تنیده شده اند.

مداخله انسان در طبیعت چه به صورت ملموس و چه به صورت ناملموس باعث ایجاد منظرهای فرهنگی می شود در واقع انسان به وسیله ی مولفه ای به نام فرهنگ ، طبیعت را دارای معانی تازه ای می کند. در مدل ارائه شده زیر بستر طبیعی یا به طور دقیق تر اکوسیستم را دایره ای در نظر گرفته ایم و فرهنگ مردمان بومی را دایره ای دارای لایه های بدون مرز تصور کردیم زیرا همان طور که باگی معتقد است منظر فرهنگی خارج از مرزهاست، از روی هم قرار گرفتن این دو دایره منظر فرهنگی شکل می گیرد در واقع این روی هم قرار گرفتن همان تعامل و عجین شدن فرهنگ مردمان بومی با بستر طبیعی است که پویا بوده و در زمان جاری است.



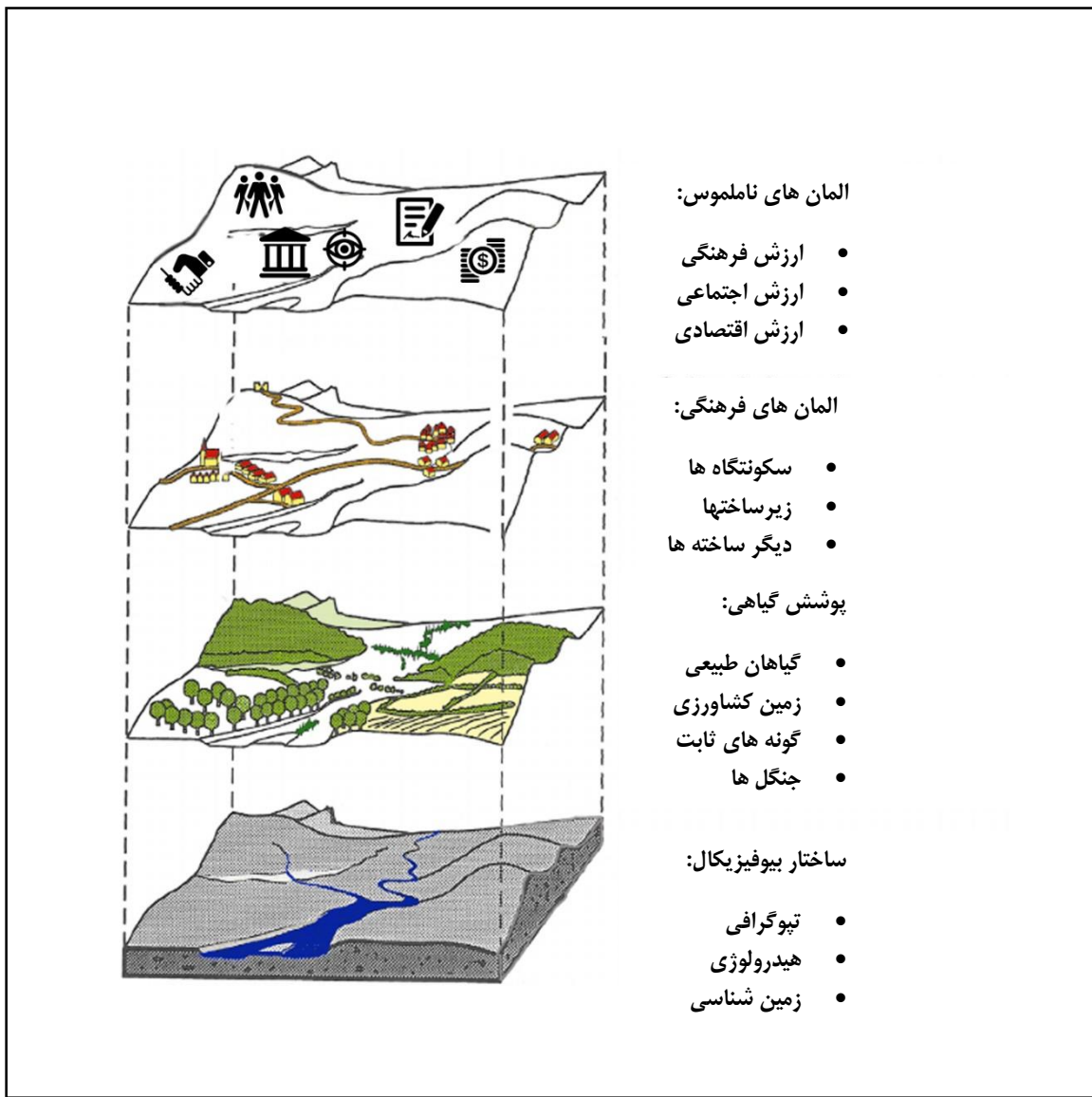
تصویر ۲: مدل ترکیب طبیعت و فرهنگ در منظر فرهنگی، منبع: نگارنده

منظرهای فرهنگی، ترکیبی از کار انسان و طبیعت هستند که نشان دهنده تکامل جوامع بشری و استقرار در طول زمان است. در واقع منظر فرهنگی در بستری از فرایندهای معنایی (نمادین)، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در رابطه انسان با طبیعت شکل می گیرد و به گونه ای پویا استمرار می یابد و به نیازهای انسان پاسخ می دهد. با مطالعه این فرایند می توان به روابط بنیادین جوامع محلی با بستر طبیعی و ارتباط آن با ارزش های فرهنگی، دانش بومی و شیوه زیست در طول زمان پی برد. برای پی بردن به این مفهوم مدلی را تشریح می کنیم که واسچر در سال ۲۰۰۴ در مقاله خود تحت عنوان طبقه بندی و تیپولوژی منظرهای فرهنگی: روش ها و برنامه های کاربردی ارائه کرده است و به شیوه ای گویا لایه های ظاهری تشکیل دهنده منظر فرهنگی را نمایش داده است (wascher,2004,244).



تصویر ۳: مدل ساختار منظر فرهنگی ارائه شده توسط واسچر، منبع: (wascher,2004,244)

از نظر واسچر منظر فرهنگی دارای سه لایه است که این سه لایه شامل: ۱. ساختار بیوفیزیکی اصلی: تپوگرافی، هیدرولوژی (آبها)، زمین شناسی و خاک. ۲. پوشش گیاهی: گیاهان طبیعی، زمین های کشاورزی، جنگل ها و گونه های ثابت ۳. المان های فرهنگی: سکونتگاه ها، زیرساخت ها و دیگر چیزهای ساخته شده. در واقع این مدل فقط نشان دهنده بعد ملموس منظر فرهنگی و بستری است که ارزش های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در آن شکل می گیرد و به عنوان لایه چهارم ابعاد ناملموس را به آن اضافه کرده و آن را تکمیل می کند.



تصویر ۴: مدل ساختار منظر فرهنگی شامل لایه های ملموس و ناملموس، منبع: نگارنده

تمامی این لایه های در هم تنیده در طول زمان شکل می گیرند و این فرایندی است که سه حالت زمانی گذشته، حال و آینده را در برمی گیرد و به صورتی پویا ادامه می یابد. و جدایی پنداشتن لایه ی طبیعت و فرهنگی امکان پذیر نیست و اینها با هم یک کلیت یکپارچه را تشکیل داده اند که شامل دو بعد ملموس و ناملموس است. همان گونه که بندرین عنوان می کند حوزه میراث فرهنگی به ویژه منظر فرهنگی محدود به منومان ها، سایت های باستان شناسی و مجموعه اشیاء نیست بلکه شامل سنت ها و شیوه زندگی به ارث رسیده از اجداد ما برای ما و فرزندمان می باشد. مانند آیین شفاهی، هنرهای نمایشی، فعالیت های اجتماعی، آیین ها، جشن ها، دانش طبیعی و جهانی و دانش تهیه محصولات بومی که در مجموع به عنوان ارزش های ناملموس تعریف می شوند (Bandarin, Vanoers, 2015, 130).

